

بررسی میزان اعتماد اجتماعی در روابط بین شخصی و رابطه آن با میزان قانون‌گریزی در یاسوج

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۶/۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۱۲

اصغر میرفردی^۱، حکیم احمدی قارنایی^۲

از صفحه ۵۹ تا ۸۴

چکیده

زمینه و هدف: اعتماد از عناصر مهم و محوری در تسهیل روابط اجتماعی است. هدف اصلی این پژوهش، بررسی و شناخت رابطه‌ی میزان قانون‌گریزی و اعتماد اجتماعی در روابط بین شخصی، در بین ساکنان ۱۸ سال به بالای شهر یاسوج بوده است. در این پژوهش، از دیدگاه گیدنز و زومکا برای چارچوب نظری استفاده شده است.

روش‌شناسی: روش تحقیق در این پژوهش از نوع پیمایشی و ابزار تحقیق، پرسشنامه‌ی محقق‌ساخته و دیگران ساخته بوده است. جامعه آماری پژوهش - برابر با سرشماری سال ۱۳۹۰ کل کشور - ۸۸۲۷۸ نفر بوده که با استفاده از جدول لین (۱۹۷۶)، حجم نمونه ۳۸۴ نفر محاسبه شد. برای دستیابی به نمونه‌های تحقیق، از روش نمونه‌گیری تصادفی سامانمند از نوع طبقه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شده است. برای ارزیابی روایی، از اعتبار صوری و برای ارزیابی میزان انسجام درونی (پایایی) گویه‌های متغیر وابسته و متغیر مستقل، از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده است.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان داد که با توجه به مقدار ضریب همبستگی پیرسون ($r = -0/026$) و مقدار سطح معناداری ($Sig = 0/617$)، بین متغیر میزان قانون‌گریزی و اعتماد اجتماعی در روابط بین شخصی، رابطه‌ی معناداری وجود نداشته است. همچنین با توجه به مقدار ضریب همبستگی پیرسون ($r = 0/115$) و مقدار سطح معناداری ($Sig = 0/025$)، بین سن پاسخگویان و میزان اعتماد اجتماعی آنان در روابط بین شخصی، رابطه‌ی معناداری وجود دارد و با افزایش میزان سن، میزان اعتماد اجتماعی پاسخگویان در روابط بین شخصی به نسبت کمی افزایش می‌یابد.

نتیجه‌گیری: با افزایش یا کاهش در میزان قانون‌گریزی افراد، هیچ تغییری در میزان اعتماد اجتماعی خود آنان در روابط بین شخصی ایجاد نمی‌شود.

کلیدواژه‌ها

اعتماد اجتماعی، قانون‌گریزی، روابط بین شخصی، یاسوج، ایران.

۱. دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)، a.mirfardi@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یاسوج، shwana.kurd65@gmail.com

مقدمه

اعتماد، یکی از مهم‌ترین نیروهای ترکیبی در جامعه است. جامعه‌ای که از نعمت اعتماد اجتماعی برخوردار است و مردم آن دید مثبتی نسبت به یکدیگر دارند، نظم، هماهنگی و همبستگی بیشتری در آن حاکم خواهد بود؛ از نظر اقتصادی کارآمدتر است؛ دموکراسی در آن بهتر جریان دارد و افراد آن جامعه، از سلامت روانی بهتری برخوردار خواهند شد. علاوه بر موارد مذکور، اعتماد، در افزایش رضایت از سطح زندگی و حتی افزایش امید به زندگی اثرگذار است (نیوتون^۱، ۲۰۰۲: ۳). اعتماد متقابل اجازه می‌دهد که تعاملات در جامعه به صورت گسترده و روان جاری شود (چلبی، ۱۳۷۵: ۷۳).

به‌طور کلی، اعتماد اجتماعی به معنی پایبند بودن به هنجارها و ارزش‌هایی است که مورد قبول آحاد جامعه بوده و باعث رشد و ارتقای شرایط فرهنگی، اجتماعی و همچنین بالندگی اقتصادی می‌شود. اعتماد، یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی و زمینه‌ساز مشارکت و همکاری میان اعضای جامعه است. اعتماد، مشارکت را در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی سرعت بخشیده و تمایل افراد را برای همکاری با گروه‌های مختلف جامعه افزایش می‌دهد. اعتماد در زبان فارسی، مترادف با تکیه کردن به کسی، واگذاشتن کار به کسی، اطمینان، وثوق، باور و اعتقاد، به کار گرفته می‌شود (عمید، ۱۳۶۹: ۲۰۱). عناصر اصلی اعتماد را صداقت، صراحت، اطمینان، تمایلات همکاری جویانه، سهیم کردن و اعتماد نهادی^۲ تشکیل می‌دهند (زتومکا^۳، ۱۳۸۶: ۸۴-۸۰). اعتماد، پیش‌شرط و محور اصلی همکاری اجتماعی^۴ است؛ به عبارتی دیگر، اعتماد، اساس عاطفی برای همکاری است. به همان صورتی که اعتماد اساس همکاری است؛ بی‌اعتمادی، از بین‌برنده‌ی همکاری است. اگر بی‌اعتمادی^۵ کامل وجود داشته باشد؛ همکاری بین عاملان آزاد، شکست می‌خورد (آدلر و سئوک وو^۶، ۲۰۰۲: ۲۵).

بشر امروزی، بدون اعتماد اجتماعی- در زندگی اجتماعی خود- با دشواری‌هایی روبرو می‌شود؛ بنابراین، زندگی اجتماعی زمانی بقا و دوام می‌یابد که حداقل یکی از پیش

1. Newton.
2. Institution Trust
3. Sztomka
4. Social Collaboration
5. Distrust
6. Aldler & Seok-Woo.

فرض‌های اساسی آن (اعتماد اجتماعی) برقرار باشد. در جامعه‌ی کنونی نیز پیشرفت و ترقی زمانی میسر خواهد بود که در تعاملات اجتماعی افراد، اعتماد متقابل^۱ برقرار باشد. در واقع، اعتماد باعث تسهیل و تداوم کنش اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می‌شود (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۶۵). اعتماد اجتماعی در روابط بین شخصی، انتزاعی و تخصصی، عامل مهمی در پیشرفت جامعه و همچنین ایجادکننده‌ی تعاون و همیاری بوده و فقط در این حالت است که در عین وجود تفاوت‌ها، انسان‌ها قادر به حل مشکلات و انجام تعهدات اجتماعی^۲ می‌شوند. در واقع زندگی انسان بدون احساس اعتماد به خود، اعتماد به آینده و اعتماد به جهان پیرامون خود، همراه با اضطراب و کشمکش تحمل‌ناپذیری است که ممکن است باعث از هم پاشیدگی فرد و نابودی وی شود. اعتماد، رشد انسان و شکوفایی استعدادها و توانایی‌های او را تسهیل می‌کند و رابطه‌ی بین او و جهان را به رابطه‌ای خلاق و شکوفا تبدیل می‌سازد تا فرد بتواند آرامش، امنیت، آزادی و استقلال را با دیگران تجربه کند (پاتنام^۳، ۱۹۹۳: ۸۰).

در دهه‌های اخیر، اعتماد در روابط شخصی روندی کاهشی داشته است؛ با وجودی که اعتماد برای بهینه‌سازی روابط و تعاملات اجتماعی کارکرد سازنده و محوری دارد. توجه به این مهم در پژوهش‌های اجتماعی - برای فراهم‌سازی زمینه‌های افزایش اعتماد - از ضرورت بالایی برخوردار است. بدون شناخت زمینه‌ها و عوامل تأثیرگذار یا مرتبط با میزان اعتماد، نمی‌توان گام سازنده‌ای برای افزایش آن برداشت. در این راستا، این پژوهش بر آن است تا به این سؤال پاسخ دهد که چه ارتباطی بین میزان اعتماد در روابط شخصی و میزان قانون‌گریزی وجود دارد؟ بخش‌های مختلف این مقاله، به ارزیابی و تبیین این پرسش پرداخته‌اند.

بیان مسئله

شواهد بسیاری دال بر کاهش اعتماد اجتماعی در تمام ابعاد و سوگیری عاطفی و خاص‌گرا، در روابط کنشگران در تمام سطوح در جامعه ایران وجود دارد (همان: ۷۷). نتایج بسیاری از مطالعات در سطح کشور، از کاهش نسبی اعتماد اجتماعی در نزد اقشار مختلف اجتماع حکایت دارد. پژوهشی که در مورد ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال

1. Mutual Trust
2. Social Commitments
3. Putnam.

۱۳۸۰، توسط دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انجام گرفت؛ گویای نتیجه‌ی امیدوارکننده‌ای در مورد میزان اعتماد اجتماعی نبوده است؛ به‌طور مثال، در رابطه با رواج دورویی در بین مردم، بیش‌ترین پاسخ‌های زیاد و خیلی زیاد به ترتیب ۳۷/۴ و ۲۹/۴ درصد بوده است (دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰). همچنین نتایج این پژوهش در سال ۱۳۸۲، حاکی از آن است که میزان اعتماد مردم به کسانی که نمی‌شناسند برابر ۱۴/۲ درصد بوده است که بسیار پایین است (دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲).

بر اساس تحقیقاتی که از سوی دفتر آموزش و پژوهش استانداری کهگیلویه و بویراحمد در سال ۱۳۸۵ صورت گرفته است؛ میزان اعتماد به خانواده، اقوام و اعتماد به دوستان و همسایگان به این صورت بوده که ۱۴/۷۵ درصد از مردم، اندکی به اقوام و دوستان اعتماد داشته‌اند؛ ۳۷/۷۵ درصد تا حدودی و ۴۷/۵ درصد به اقوام و دوستان همسایگان اعتماد زیاد داشته‌اند. همچنین نتایج تحقیقات صورت‌گرفته در خصوص میزان اعتماد مردم به کسانی که نمی‌شناسند، نشان داده است که ۳۵ درصد از افراد به دادگاه‌ها و قضات؛ ۲۲ درصد به مدیران سازمان‌ها؛ ۲۱ درصد به سیاستمداران؛ ۵۵ درصد به پلیس؛ ۳۰ درصد به شورای شهر؛ ۲۲ درصد به روزنامه‌ها؛ ۱۳ درصد به کسبه و بازاریان و ۱۴ درصد به رانندگان تاکسی و اتوبوس، اعتماد زیاد داشته‌اند (دفتر آموزش و پژوهش استانداری کهگیلویه و بویراحمد، ۱۳۸۵).

نتایج تحقیقات یاد شده و تمام مطالعاتی که در این راستا صورت گرفته‌اند؛ حاکی از میزان اعتماد متوسط و رو به پایین در جامعه است. با توجه به اینکه اعتماد بالا، یکی از زمینه‌های تسهیل روابط اجتماعی به شمار می‌رود؛ پایین بودن اعتماد در هر جامعه‌ای، می‌تواند از زمینه‌های بازدارنده برای توسعه اجتماعی و اقتصادی باشد. با توجه به وضعیت میزان اعتماد در کشور که از حد متوسط پایین‌تر است؛ شناخت عوامل مرتبط با وضعیت اعتماد در جامعه، می‌تواند ابعاد و زمینه‌های کاهش و یا افزایش اعتماد را آشکار سازد. بی‌توجهی نسبت به جایگاه اعتماد در جامعه، می‌تواند باعث تضعیف فرهنگ شهروندی و عناصر و مؤلفه‌های آن در جامعه شود.

بنابراین لازم است؛ میزان اعتماد اجتماعی در روابط بین شخصی و عوامل مرتبط با آن مورد ارزیابی قرار گیرد تا با سنجش میزان فعلی اعتماد اجتماعی و یافتن مشکلات

پیش روی آن، بتوان راهکارهای سازنده‌ای در جهت ارتقای سطح اعتماد اجتماعی در جامعه ارائه داده و بتوان اقدامی سازنده برای توسعه‌ی جامعه و همچنین خدمت به نسل‌های آینده انجام داد. در این راستا، این پژوهش بر آن است تا موضوع میزان اعتماد اجتماعی در شهر یاسوج را مورد بررسی قرار دهد و به این پرسش پاسخ دهد که اعتماد اجتماعی در روابط بین شخصی در یاسوج به چه میزانی است و عامل قانون‌گریزی، چه ارتباطی با اعتماد اجتماعی در روابط بین شخصی در شهر یاسوج دارد؟

هدف اصلی از انجام این پژوهش، بررسی و شناخت میزان ارتباط قانون‌گریزی و اعتماد اجتماعی در روابط بین شخصی در بین شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر یاسوج است. با توجه به اینکه به تناسب تحولات اجتماعی، شرایط نوپدیدمی ممکن است بر وضعیت اعتماد تأثیرگذار باشند و همچنین قانون‌گریزی، گستره، ابعاد و اشکال گوناگونی نوینی پیدا می‌کند؛ شناخت رابطه بین قانون‌گریزی و اعتماد در روابط شخصی در شهری همچون یاسوج اهمیت و ضرورت دارد.

مبانی نظری پژوهش

امروزه، در کنار سرمایه‌های انسانی، مالی و اقتصادی، سرمایه‌ی دیگری به نام «سرمایه‌ی اجتماعی»، مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. این مفهوم به پیوندها، ارتباطات میان اعضای یک شبکه به عنوان منبع با ارزش، اشاره دارد که با خلق هنجارها و اعتماد متقابل موجب تحقق اهداف اعضا می‌شود. سرمایه‌ی اجتماعی که صبغه‌ای جامعه‌شناسانه دارد؛ به عنوان یک اهرم توفیق‌آفرین مطرح و مورد اقبال فراوان نیز واقع شده است. سرمایه‌ی اجتماعی، بستر مناسبی برای بهره‌وری سرمایه‌ی انسانی و فیزیکی و راهی برای نیل به موفقیت قلمداد می‌شود. مدیران و کسانی که بتوانند در سازمان، سرمایه‌ی اجتماعی ایجاد کنند؛ راه کامیابی شغلی و سازمانی خود را هموار می‌سازند؛ از سوی دیگر، سرمایه‌ی اجتماعی به زندگی فرد، معنی و مفهوم می‌بخشد و زندگی را ساده‌تر و لذت‌بخش‌تر می‌سازد.

در حوزه‌ی جامعه‌شناسی، پیش‌کشیدن بحث سرمایه‌ی اجتماعی در دهه‌های اخیر؛ به دلیل احساس خطر اندیشمندان، از اتمیزه‌شدن جامعه و محدودشدن روابط صمیمی و خزیدن مردم در لاک فردگرایی افراطی بوده است (معیدفر و دربندی، ۱۳۸۵: ۳۶). سرمایه‌ی اجتماعی، ویژگی‌هایی از یک جامعه یا گروه است که ظرفیت سازمان‌دهی

جمعی و داوطلبانه برای حل مشکلات متقابل یا مسائل عمومی را افزایش می‌دهد. اعتماد، از مؤلفه‌های مهم، بلکه اصلی‌ترین مؤلفه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی است (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۲). کاهش آن، می‌تواند زمینه را برای رشد نابسامانی‌ها، بی‌نظمی‌ها و رشد جرائم و انحرافات در جامعه فراهم کند.

واژه‌ی «Trust» در فرهنگ اکسفورد، به عنوان اتکا یا اطمینان به نوعی کیفیت یا صفت یک شخص یا یک چیز، یا اطمینان به حقیقت یک گفته توصیف می‌شود (گیدنز، ۱۳۷۷: ۳۷) و اعتماد اجتماعی را می‌توان داشتن حسن‌ظن به دیگران در روابط اجتماعی که دارای دو طرف اعتمادکننده^۱ و اعتمادشونده^۲، فرد یا گروه است دانست که تسهیل‌کننده‌ی روابط اجتماعی بوده و امکان سود یا زیان را در خود نهفته دارد (امیرکافی، ۱۳۸۰: ۱۱). اعتماد، تمایل افراد را به تعامل و همکاری با گروه‌ها افزایش و شبکه‌ای از روابط داوطلبانه میان گروه‌ها را در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی تشکیل می‌دهد.

در یک تقسیم‌بندی کلی، اعتماد را می‌توان در چهار سطح مورد بررسی قرار داد:
 ۱- اعتماد بنیادین که در سطح فردی و روان‌شناسی بررسی می‌شود؛ ۲- اعتماد بین‌شخصی؛ ۳- اعتماد تعمیم‌یافته؛ ۴- اعتماد به نظام یا سیستم.

۱- **اعتماد بنیادین**^۳: اعتماد بنیادی، نگرشی است که فرد نسبت به خود و دنیای پیرامون خود دارد و موجب تقویت این احساس می‌شود که افراد و امور دنیا، قابل اعتماد و دارای ثبات و استمرار هستند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۲۳). اریک اریکسون^۴ روانکاو نامدار معتقد است؛ این اعتماد، محصول فرایندهای دوره‌ی نوزادی است. اگر دیگران نیازهای اصلی و مادی و عاطفی نوزاد را تأمین کنند؛ حس اعتماد در کودک به وجود می‌آید؛ اما عدم تأمین این نیازها، سبب می‌شود که نوعی بی‌اعتمادی نسبت به جهان - به‌ویژه در روابط شخصی - به وجود آید (بالاخانی و جواهری، ۱۳۸۵: ۴).

۲- **اعتماد بین شخصی**^۵: اعتماد بین‌شخصی، شکلی از اعتماد است که در روابط چهره‌به‌چهره، خود را نشان می‌دهد. این شکل از اعتماد، موانع ارتباطی را مرتفع می‌سازد

1.Trustee
 2.Truster
 3.Basic Trust
 4.Erik Eriksson
 5.Interpersonal Trust

و با کاستن از حالت دفاعی، بسیاری از تعاملات روزانه را موجب می‌شود. اعتماد بین‌شخصی، حوزه‌ای از تعاملات میان عشاق، دوستان و همکاران و همچنین اعتماد میان رئیس و کارمند، سرپرست و کارگر، معلم و شاگرد، فروشنده و مشتری، پزشک و بیمار و ... را دربر می‌گیرد. مشکل اصلی اعتمادی که از تجربه‌ی تعامل شخصی ایجاد می‌شود؛ محدود بودن قلمرو آن است و در جامعه‌ای که تحرک و نیازها به همکاری با غریبه‌ها و اتکا به آن‌ها، یکی از ویژگی‌های برجسته آن است؛ چندان راهگشا نیست (امیرکافی، ۱۳۸۰: ۱۰).

۳- **اعتماد تعمیم‌یافته**^۱: اعتماد تعمیم‌یافته را می‌توان داشتن حسن‌ظن نسبت به اکثریت افراد جامعه، جدای از تعلق آن‌ها به گروه‌های قومی و قبیله‌ای تعریف کرد (همان: ۹). اعتماد تعمیم‌یافته یا اخلاقی، مبتنی بر تجارب شخصی ما نیست؛ بلکه بیشتر مبتنی بر نگاه ما به جهان است که از والدین خود یاد می‌گیریم و کاملاً باثبات و محکم است و در طول زمان، توسط نمونه‌های اتفاقی خیانت یا قربانی (بی‌اعتمادی) از بین نمی‌رود (بختیاری، ۱۳۸۹: ۱۰). موضوع این اعتماد، به عنوان مهم‌ترین عنصر نگرشی سرمایه‌ی اجتماعی قلمداد شده و از آن، جهت متمایز کردن جوامعی که دارای سرمایه‌ی اجتماعی سطح بالا هستند- نسبت به جوامعی که دارای سطح پایین سرمایه‌ی اجتماعی هستند- استفاده می‌شود (ریسکنس و مارچوگه^۲، ۲۰۰۷: ۵۲۶).

۴- **اعتماد به سیستم**: در جامعه‌ی نوین، الزاماً دو سوی فرایند ارتباط را ارتباط‌گران انسانی تشکیل نمی‌دهند؛ بلکه انسان‌ها، گاهی با کنشگران غیرفردی ارتباط برقرار می‌کنند. به این ترتیب، شکل دیگری از اعتماد مطرح می‌شود که متوجه ساختارهای غیرشخصی است. در این مورد، به دو نوع اعتماد نهادی و اعتماد مدنی یا انتزاعی اشاره شده است.

الف) **اعتماد نهادی**^۳: اعتماد نهادی، دلالت دارد بر میزان مقبولیت و کارایی و اعتمادی که مردم به نهادها (رسمی دولتی) دارند. به تعبیر دوگان، انعکاس فقدان اعتماد به نهادها در اغلب موارد، نتیجه‌ی بی‌اعتمادی به افرادی است که عهده‌دار امور آن نهادها هستند؛ بنابراین میزان اعتماد نهادی بر حسب نوع ارزیابی مردم از کارکنان این نهادها در قالب

1. Generalized Trust
2. Reeskens & Marchooghe
3. Institutional Trust

اداره‌ها، ارگان‌ها و نهادهای مختلفی که در زندگی روزمره با آن‌ها ارتباط دارند؛ سنجیده می‌شود (علی‌پور، ۱۳۸۸: ۱۱۶). مدرسه، دانشگاه، ارتش، دادگاه، نیروی انتظامی، بانک‌ها، بازار سهام، دولت، مجلس و ... نوعاً از این نوع اعتماد هستند. میزان اعتمادی که مردم به نهادهای مختلف دارند؛ در بین جوامع متفاوت است و در طی زمان دست‌خوش تغییراتی می‌شود (زتومکا، ۱۳۸۶: ۸۲).

ب) اعتماد انتزاعی^۱ (مدنی): گیدنز، نظام‌های انتزاعی را نظام‌های انجام کار فنی یا مهارت تخصصی می‌داند که حوزه‌های وسیعی از محیط مادی و اجتماعی زندگی کنونی ما را تشکیل می‌دهد؛ مثل نظام پزشکی، نظام معماری و ... به نظر وی، ما از اعتماد به نهادهای نوین و نظام‌های انتزاعی در موقعیتی که بسیاری از جنبه‌های مدرنیست جهانی شده باشد، ناگزیریم. یکی از معانی قضیه‌ی بالا این است که هیچ‌کس نیست که بتواند از نظام‌های تخصصی در نهادهای نوین کاملاً دوری گزیند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۳۴). زندگی در دوره‌ی نوین، توسط نظام‌های انتزاعی تخصصی تکه‌تکه می‌شود و یک نفر نمی‌تواند مانند گذشته، همه یا بیشتر کارهای خود را مستقلاً انجام دهد (همان: ۱۰۰).

البته به نظر زتومکا^۲، اعتماد می‌تواند به مقولات انتزاعی دیگری مانند اعتماد به نظم، دموکراسی، علم و ... نیز تعلق پیدا کند (زتومکا، ۱۳۸۶: ۸۵-۸۰).

دیدگاه گیدنز

گیدنز^۳ در مباحث خود از سه نوع اعتماد بنیادی، شخصی و انتزاعی نام می‌برد. به گفته‌ی وی، در جوامع نوین تحت تسلط نظام‌های انتزاعی، اعتماد بسیار مهم است. از نظر وی نیاز به اعتماد، با فاصله‌گیری روابط زمانی و مکانی افراد در ارتباط است. از نظر گیدنز، اعتماد در جوامع ماقبل نوین، از اهمیت کمتری در مقایسه با جوامع نوین برخوردار است. چراکه افراد هر چه فاصله‌ی زمانی و مکانی بیشتری از هم داشته باشند، به اعتماد بیشتری نیاز خواهند داشت. به عبارتی ما در مورد کسانی که پیوسته در معرض دیدمان هستند و فعالیت‌هایشان را می‌توان مستقیماً مورد بازنگری قرار داد نیاز

1. Abstract Trust
2. Sztomka
3. Giddenz

به اعتماد نداریم. اعتماد هنگامی ضروری می‌شود که در نتیجه‌ی فاصله‌گیری زمانی و مکانی اطلاع کاملی از پدیده‌های اجتماعی نداشته باشیم. در جوامع ماقبل نوین که خصلتی محلی و بومی دارند و کنش‌های متقابل بیشتر در سطح محلی و رودررو رخ می‌دهند، در روابط اجتماعی افراد، چنان صراحت و شفافیتی به چشم می‌خورد که نیازی به اعتماد ندارند، زیرا این اعتماد به‌طور طبیعی وجود دارد. اعتماد غیرشخصی به دیگران ناشناس، ناشی از ماهیت رشدیابنده‌ی نظام‌های انتزاعی است. در جوامع بزرگ و گسترده، به اعتماد از طریق نظام‌های پولی و حقوقی بسیار نیازمند هستند. وجهه‌ی عمده‌ی اعتماد در دوران نوین، پایبندی‌های بی‌چهره‌ای است که در نظام‌های تخصصی معنا می‌یابد (ریترز، ۱۳۷۷: ۷۶۸-۷۶۷).

گیدنز در مباحث خویش، بین دو نوع اعتماد تمایز قائل می‌شود: اعتماد به افراد خاص و اعتماد به افراد یا نظام‌های انتزاعی. اعتماد انتزاعی، دربرگیرنده‌ی آگاهی از مخاطره و فرد مورد اعتماد است؛ بنابراین درحالی که کنشگر می‌تواند به راحتی در مورد میزان ارزش اعتماد به افراد خاص قضاوت کند؛ می‌تواند درباره‌ی میزان ارزش اعتماد نسبت به دیگران تعمیم‌یافته نیز دارای ایده‌ها و باورهایی باشد. افراد همچنین می‌توانند درباره‌ی میزان ارزش اعتماد، نسبت به نظام‌های انتزاعی نظیر نهادها نیز دارای باورهایی باشند. از این فرآیند می‌توان تحت عنوان «سطح نهادی اعتماد» نام برد. این همان چیزی است که گیدنز آن را ایده‌ی اعتماد به نظام‌های تخصصی می‌نامد؛ یعنی ممکن است کنشگر از فردی که اتومبیل یا خانه او را ساخته، شناختی نداشته باشد ولی نسبت به نظام استاندارد، تنظیم قواعد و قوانین، نظارت و کنترل کیفیت، دارای میزانی از اعتماد باشد (شارع‌پور، ۱۳۸۰: ۱۰۴). گیدنز همچنین برای نشان دادن نقطه‌ی مقابل اعتماد، از مفهوم و اصطلاح بی‌اعتمادی استفاده می‌کند که شامل اعتماد نسبت به اشخاص و نظام‌های انتزاعی است (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۱۹).

از نظر گیدنز، جوامع نوین به نظام‌های تخصصی اعتماد تکیه می‌کنند و این بدان معنا است که اعتماد، کلید رابطه‌ی بین فرد و نظام‌های تخصصی است (گیدنز، ۱۳۸۴: ۵۲). از نظر گیدنز اعتماد، شیوه‌ی ضروری و اجتناب‌ناپذیر زندگی اجتماعی است و از مؤلفه‌های مدرنیست است. طبق نظر گیدنز، منابع اصلی اعتماد در جوامع سنتی، اهمیت خود را در جوامع صنعتی و جدید از دست داده‌اند. گیدنز ارتباط ناب را منوط به اعتماد

متقابل می‌داند که رابطه‌ای نزدیک با صمیمیت دارند. به عقیده‌ی گیدنز، در جوامع نوین اعتماد بین مردم کاهش یافته است.

دیدگاه زتومکا^۱

به نظر زتومکا، اعتماد امری نسبی است و اعتماد کردن به‌طور مطلق امر مثبتی نیست. اعتماد کردن و یا بی‌اعتمادی، بسته به اینکه مناسب و یا نامناسب باشد؛ می‌تواند دارای کارکردهایی به شرح زیر باشد:

الف) کارکردهای مناسب اعتماد: ۱- باعث تراکم اخلاقی^۲ می‌شود؛ ۲- باعث افزایش مشروعیت حکومت می‌شود؛ ۳- پذیرش و درک دیگران را میسر می‌سازد؛ ۴- احساس امنیت افراد را افزایش می‌دهد؛ ۵- کنش جمعی را افزایش می‌دهد؛ ۶- هویت جمعی را تقویت می‌کند.

ب) کارکرد مناسب بی‌اعتمادی: باعث مصونیت از خطرات احتمالی می‌شود.

ج) کارکرد نامناسب اعتماد: زمینه‌ساز سوءاستفاده و بهره‌کشی می‌شود.

د) کارکردهای نامناسب بی‌اعتمادی: ۱- باعث فرسایش سرمایه‌ی اجتماعی می‌شود؛ ۲- غفلت و تجاهل جمعی را افزایش می‌دهد؛ ۳- موجب شکل‌گیری گرایش‌های تدافعی می‌شود؛ ۴- موجب بیگانگی فرد از هویت واقعی می‌شود؛ ۵- باعث ایجاد رقابت بیشتر و بی‌اعتمادی می‌شود؛ ۶- فرد را از فواید احتمالی و سودمند محروم می‌سازد.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود؛ در مجموع، اعتماد دارای فواید بیشتری نسبت به بی‌اعتمادی است (بختیاری، ۱۳۸۹: ۲۴). به نظر زتومکا، جوامع معاصر دارای ویژگی‌هایی هستند که باعث برجستگی مسئله‌ی اعتماد شده‌اند:

۱- ما داریم از جوامع مبتنی بر سرنوشت به طرف جوامعی حرکت می‌کنیم که تحولشان به وسیله‌ی عامل انسانی است.

۲- دنیای ما به شدت دارای وابستگی متقابل شده است. به همان اندازه که وابستگی‌مان به تعاون و همکاری دیگران رشد یافته، به همان میزان اعتماد به اطمینان آن‌ها اهمیت پیدا کرده است.

۳- گسترش نظام تمایز و ازدیاد نقش‌های پیوسته، باعث افزایش ناپایداری در نقش‌ها و

1. Sztomka
2. Ethical Density

ابهام در انتظارات نقش شده؛ امکان بیشتری برای بحث اعتماد- به عنوان صورتی از روابط اجتماعی- میسر گردیده است.

۴- زندگی اجتماعی (جدید)، تهدیدهای گسترده و جدیدی دارد و آنچه را که خود ساخته است در معرض خطر قرار می‌دهد. برای رویارویی با افزایش آسیب‌پذیری در جامعه‌ی مخاطره‌ای، به انباشت و ذخیره‌ی اعتماد گسترده‌ای نیاز است.

۵- افزایش انتخاب‌های موجود در جهان، پیش‌بینی‌پذیری تصمیمات مردم را کاهش داده است. برای اینکه کنش‌ها و تصمیماتمانه‌ی امکان بیشتری را برای تنظیم‌شدن با گزینه‌ها و انتخاب‌های دیگران داشته باشند؛ اعتماد، اهمیت فزاینده‌ای خواهد داشت.

۶- بخش‌های بزرگی از دنیای اجتماعی معاصر، برای اعضایش غیرشفاف و مبهم است. پیچیدگی نهادها، سازمان‌ها و نظام‌های فن‌شناختی و افزایش جهانی حوزه‌ی عملیاتی‌شان، آن‌ها را به شدت برای مردم و حتی کارشناسان، غیرقابل شناخت ساخته است؛ به طوری که اغلب- بیش از هر زمان دیگر- مجبور به عمل در تاریکی هستیم. اعتماد، راهبردی ضروری برای رویارویی با ابهام و تیرگی محیط اجتماعی‌مان است. بدون اعتماد، قادر به انجام هیچ عملی نیستیم.

۷- ویژگی جامعه معاصر، در رشد و ناشناختگی کسانی است که بهزیستی ما، وابسته به کنش‌ها و عمل آن‌هاست. در موارد بی‌شماری به کارایی، مسئولیت و نیت خیر دیگران که ناشناخته هستند؛ اعتماد می‌کنیم. هیچ ابزاری نمی‌تواند این حفره و شکاف گمنامی را از میان بردارد؛ مگر اینکه به اعتماد متوسل شویم.

۸- برای کنار آمدن با حضور فراگیر غریبه‌ها که از ویژگی‌های دنیای معاصر است؛ اعتماد یک منبع ضروری است (زتومکا، ۱۳۸۶: ۳۱-۲۶).

زتومکا، اعتماد را نوعی شرط‌بندی تعریف می‌کند که بر کنش دیگران در آینده مبتنی است (زتومکا^۱، ۲۰۰۰: ۲۵). او سه مبنای اصلی برای اعتماد تعریف کرده است که عبارت‌اند از: ۱- ارزشمندی اعتماد بازیابی؛ ۲- خوش‌بینی عوامل؛ ۳- فرهنگ اعتماد (زتومکا، ۲۰۰۰، ۷۰).

اما منشأ مهم اعتماد در نظریه‌ی زتومکا، علاوه بر اطلاعات، قواعد و هنجارهای جمعی است که از طریق جامعه‌پذیری در درون افراد نهادینه‌شده و افراد بر اساس آن عمل

می‌کنند. به نظر زتومکا، تعهدات پایه‌ای تسهیل‌کننده‌ی اعتماد است. بر اساس این تعهدات، افراد معتمد به‌طور قاطعانه، متن رفتار خودشان را تغییر داده و آن را بسیار جدی، محکم و با هزینه‌ای معین برای آزادی‌های معمول بنا می‌کنند. همچنین افراد در چنین وضعیتی دستان یکدیگر را به منظور پایبندی و اعتماد می‌فشارند (زتومکا، ۲۰۰۰: ۸۹-۸۷).

زتومکا معتقد است که در جوامع معاصر، ویژگی‌های منحصر به فردی وجود دارند که منجر به اهمیت و ضرورت یافتن مسئله‌ی اعتماد اجتماعی می‌شوند؛ به طوری که زندگی در جوامع جدید و معاصر، بدون توجه به مسئله‌ی اعتماد، امری ناشدنی بوده و توجه به آن و یا اهمیت قائل شدن به آن، امری اجتناب‌ناپذیر است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که اعتماد اجتماعی در بسیاری از جوامع، از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست. در کشورهای صنعتی و غیر صنعتی، پژوهش‌ها بیانگر آن است که با کاهش اعتماد اجتماعی، بحران شخصیت و هویت افزایش می‌یابد (گیدنز، ۱۳۸۳: ۲۵۴-۲۴۹).

در اینجا تعاریف مهم‌ترین مفاهیم مورد بررسی ارائه می‌شوند:

اعتماد: اعتماد به عنوان ویژگی فردی مطرح می‌شود و بر احساسات، عواطف و ارزش‌های فردی تأکید دارد و در بررسی اعتماد نظریه‌های شخصیت و متغیرهای فردی مورد توجه قرار می‌گیرد. بر اساس این دیدگاه، اعتماد با مفاهیمی چون همکاری، صداقت، وفاداری، صمیمیت، امید و دگرخواهی ارتباط نزدیک دارد (اجاقلو و زاهدی، ۱۳۸۴: ۹۵). منظور از اعتماد، پذیرش خطر مواجهه و ارتباط با دیگران است؛ با این تصور که آن‌ها چنان‌که انتظار می‌رود، رفتار خواهند کرد یا این‌که عمداً در پی آزار و اذیت ما نخواهند بود.

اعتماد اجتماعی در روابط بین شخصی: این نوع از اعتماد را می‌توان حسن‌ظن داشتن نسبت به افراد جامعه، جدای از تعلق آن‌ها به گروه‌های قومی و قبیله‌ای تعریف کرد؛ بنابراین، اعتماد مزبور تنها به روابط چهره‌به‌چهره محدود نمی‌شود. این نوع از اعتماد بر مرزهای خانوادگی، همسایگی، محلی و قومی را زیر پا می‌گذارد (امیرکافی، ۱۳۸۰: ۳۲-۳۱). اعتماد اجتماعی در زمینه‌ای فراتر از روابط چهره‌به‌چهره قرار دارد و در شبکه‌های موجود در سطح فرافردی جریان می‌یابد. بدین ترتیب، اعتماد اشخاص جای

خود را به مقوله‌های اجتماعی انتزاعی‌تر و گسترده‌تری می‌دهد که در سطحی وسیع‌تر از مرزهای خانوادگی، همسایگی و طایفه‌ای قرار می‌گیرد. حوزه‌ی تعامل و ارتباط در اعتماد اجتماعی از سطح روابط و تعامل درون‌گروهی به تعامل بین‌گروهی ارتقا می‌یابد. به‌طور خلاصه، اعتماد اجتماعی، هم اعتماد به اشخاصی است که می‌شناسیم و هم اعتماد به غریبه‌ها و کسانی است که آن‌ها را شخصاً نمی‌شناسیم.

قانون‌گریزی: قانون‌گریزی رفتاری است که از مخالفت با قوانین رسمی جامعه انجام می‌گیرد و قانون‌گریز کسی است که با رفتار خود به صورت آگاهانه و از روی عمد، قوانین رسمی جامعه را نادیده می‌گیرد. قانون‌گریزی طیفی از رفتار است که از قانون‌گریزی دائم، خشن و شدید (سرقت، قتل و ...) تا قانون‌گریزی گهگاهی، غیر خشن و ضعیف (ندادن مالیات، عبور از چراغ قرمز و ...) را در برمی‌گیرد. به قانون‌گریزی نوع اول، قانون‌گریزی سخت و به قانون‌گریزی نوع دوم، قانون‌گریزی نرم می‌گویند (علی‌بابایی و فیروزجائیان، ۱۳۸۸: ۱۲). در این پژوهش، میزان قانون‌گریزی از نوع نرم فرد پاسخگو؛ یعنی میزان عبور از چراغ قرمز، میزان عدم پرداخت عمدی قبوض آب، برق، گاز و ... در موعد مقرر؛ میزان فراخوانی فرد پاسخگو به پاسگاه یا دادگاه به دلیل ارتکاب به جرم و ... مدنظر است و مورد بررسی قرار می‌گیرد.

سن: منظور سن تقویمی، تعداد سال‌های کامل خورشیدی است که از زمان تولد فرد گذشته است.

چارچوب نظری

در این پژوهش، از دیدگاه‌های گیدنز و زتومکا برای چارچوب نظری استفاده شده است. طبق نظر گیدنز، منابع اصلی اعتماد در جوامع سنتی، اهمیت خود را در جوامع صنعتی و جدید از دست داده‌اند. گیدنز، ارتباط ناب را منوط به اعتماد متقابل می‌داند که رابطه‌ی نزدیک با صمیمیت دارد. گیدنز معتقد است که افراد هر چه فاصله‌ی زمانی و مکانی بیشتری از هم داشته باشند؛ به اعتماد بیشتری نیاز خواهند داشت. از نظر گیدنز، اعتماد در جوامع ماقبل نوین از اهمیت کمتری در مقایسه با جوامع نوین برخوردار است. به عقیده‌ی گیدنز، در جوامع نوین، اعتماد بین مردم کاهش یافته است. با توجه به تغییرات دنیای نوین، رشد سریع فناوری و ارتباط و اطلاعات، نظریات وی در خصوص کاهش اعتماد اجتماعی در جوامع کنونی و نوین و اینکه در جوامع نوین اعتماد اجتماعی کاهش

یافته است؛ برای سنجش متغیر وابسته‌ی تحقیق؛ یعنی میزان اعتماد اجتماعی در روابط بین شخصی از اهمیت زیادی برخوردار است که در این راستا، این نظریه به عنوان بخشی از چارچوب نظری استفاده شده است.

زومکا، اعتماد را نوعی شرط‌بندی تعریف می‌کند که بر کنش دیگران در آینده مبتنی است. زومکا معتقد است که در جوامع معاصر، ویژگی‌های منحصر به فردی وجود دارند که منجر به اهمیت و ضرورت یافتن مسئله‌ی اعتماد اجتماعی می‌شوند. منشأ مهم اعتماد در نظریه‌ی زومکا علاوه بر اطلاعات، قواعد و هنجارهای جمعی است که از طریق جامعه‌پذیری در درون افراد نهادینه شده و افراد بر اساس آن عمل می‌کنند. به نظر زومکا، تعهدات پایه‌ی تسهیل‌کننده‌ی اعتماد است. دیدگاه زومکا در خصوص تأثیر رعایت تعهدات پایه‌ای توسط افراد در جامعه، برای بررسی و شناخت رابطه بین میزان قانون‌گریزی با اعتماد اجتماعی در روابط شخصی، از اهمیت فراوانی جهت بررسی اعتماد اجتماعی برخوردار است و در این راستا، از این دیدگاه، جهت بررسی رابطه بین میزان قانون‌گریزی و اعتماد اجتماعی در روابط شخصی، به عنوان بخشی از چارچوب نظری استفاده شده است.

پیشینه پژوهش

نتایج تحقیقات پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۷۹)، نشان داد که در حوزه‌ی شبکه‌های غیررسمی، بیش‌ترین اعتماد مربوط به خانواده است و همچنین گروه‌های اجتماعی رسمی مانند معلمان، استادان دانشگاه و پزشکان، از بیش‌ترین میزان اعتماد در بین مردم و در مقابل، گروه‌های اجتماعی بنگاهداران، کسبه و روزنامه‌نگاران، از کمترین میزان اعتماد اجتماعی برخوردار هستند.

فیروزآبادی (۱۳۸۴) پژوهشی با عنوان «بررسی سرمایه‌ی اجتماعی در ایران و راه‌های ارتقای آن» انجام داد. او به این نتیجه رسید که تعهد دینی و تحصیلات، از عوامل تأثیرگذار بر سرمایه‌ی اجتماعی هستند؛ علاوه بر این نتایج نشان داد که گروه‌های میان‌سالان با میانگین سنی ۵۱ سال، نسبت به گروه‌های جوانان با میانگین سنی ۲۵ سال، از سرمایه‌ی اجتماعی بالایی برخوردار هستند و همچنین گروه‌های غیرمهاجران و مردان، به ترتیب، نسبت به گروه‌های مهاجران و زنان از سرمایه‌ی اجتماعی بالاتری برخوردار هستند.

حیدرآبادی (۱۳۸۸) در تحقیقی که با عنوان «اعتماد اجتماعی و عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر آن؛ مورد مطالعه جوانان ۲۰ تا ۲۹ ساله‌ی استان مازندران» انجام داد؛ به این نتایج دست یافت که میزان تحصیلات و طبقه‌ی اجتماعی^۱، رابطه‌ی منفی و معکوسی با میزان اعتماد اجتماعی داشته است و ارتباطات انسانی، جامعه‌پذیری خانوادگی و اعتقادات دینی، با اعتماد اجتماعی، رابطه‌ی مثبت و مستقیمی داشته است. همچنین نتایج نشان داد که میزان اعتماد بنیادین در بین جوانان، بیشتر و بالاتر از سایر گونه‌های اعتماد (اعتماد تعمیم‌یافته و انتزاعی) است و همچنین اعتماد درون‌گروهی در جامعه، بیشتر از اعتماد برون‌گروهی است.

کتابی (۱۳۸۸)، در پژوهشی تحت عنوان «سنجش اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در مراکز شهرستان‌های چهارمحال و بختیاری» که با هدف اطلاع از میزان اعتماد اجتماعی و شناخت مهم‌ترین عوامل مؤثر و مرتبط با آن، در استان چهارمحال و بختیاری انجام شده بود؛ به این نتایج دست یافت که به جزء اعتماد بنیادین و بین شخصی، میزان اعتماد در بقیه‌ی انواع اعتماد، در حد متوسط و پایین‌تر از حد متوسط بوده است و متغیرهای ارزش‌های اخلاقی، عملکرد دولت و قانون‌گرایی، دارای بیش‌ترین همبستگی با اعتماد بوده است. همچنین متغیرهای دین‌داری، احساس امنیت و پنداشت از میزان دین‌داری مردم در جامعه، با اعتماد اجتماعی، دارای ضریب همبستگی معناداری بوده‌اند.

نتایج تحقیق قریشی و صداقت (۱۳۸۸)، با عنوان «بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر اعتماد اجتماعی شهروندان شهر تبریز» نشان داد که بین متغیرهای سطح شهروندی^۲، نگرش دینی^۳، مشارکت اجتماعی^۴، پایگاه اقتصادی - اجتماعی^۵، فقر فرهنگی^۶، جنسیت، وضع تأهل، تحصیلات، سن و شغل با اعتماد اجتماعی، همبستگی معنادار وجود دارد.

علیزاده‌اقدم و همکاران (۱۳۹۰)، در پژوهشی که تحت عنوان «بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با اعتماد اجتماعی دبیران مقطع متوسطه‌ی آموزش و پرورش

1. Social Class
2. The Citizen Level
3. Religious Attitudes
4. Community Involment
5. Socio - Economic Base
6. Cultural Poverty

شهرستان مرند» انجام دادند؛ به این نتایج دست یافتند که میزان اعتماد اجتماعی دبیران مقطع متوسطه در سطح بالایی بوده است. همچنین نتایج دیگر تحقیق مذکور، نشان داده است که عواملی چون انتظار فایده، سنت‌گرایی و باورهای دینی، با اعتماد اجتماعی رابطه‌ی مستقیم و عامل بیگانگی اجتماعی با اعتماد اجتماعی رابطه‌ی معکوس داشته است.

کلی^۱ (۲۰۰۹) تحقیقی را با عنوان «مشارکت شهری و اعتماد اجتماعی در میان اقلیت جوانان» انجام داد. در این پژوهش، مشخص شد که گروه‌های جوانانی که در اقلیت قرار دارند، کمتر درگیر فعالیت‌های اجتماعی هستند؛ زیرا آنان به خاطر تبعیض در مسائل آموزشی و سایر مسائل با دیگران، بیشتر محدودیت‌های اجتماعی را تجربه می‌کنند. همچنین در این پژوهش مشخص شد؛ جوانانی که به انواع مواد مخدر و ناهنجاری‌های دیگر آلوده‌اند و به‌طور کلی کسانی که کیفیت زندگی آنان پایین است، اعتماد اجتماعی پایینی دارند.

گراف^۲ (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان «اعتماد و فساد: تأثیر مثبت و منفی سرمایه‌ی اجتماعی بر توسعه‌ی اقتصادی در اتحادیه‌ی اروپا» که بر روی ۲۵ کشور عضو اتحادیه‌ی اروپا، با هدف پاسخگویی به این سؤال که «چرا کشورهای نواحی اسکاندیناوی واقع در اتحادیه‌ی اروپا ثروتمندتر و غنی‌تر از کشورهای نواحی اروپای شرقی هستند» انجام داد؛ به این نتایج دست یافت که فساد، ممکن است بتواند به کشورهای فقیر اروپا آسیب برساند و از نظر اقتصادی و اجتماعی، آن کشورها را تحت تأثیر قرار دهد؛ اما قادر نیست در کشورهای ثروتمند اروپایی تأثیر منفی به جای بگذارد. همچنین نتایج نشان داده که افزایش سرمایه‌ی اجتماعی مثبت، می‌تواند به عنوان یک عامل مؤثر در کاهش فساد عمل کند و نیروی اصلی سرمایه‌ی اجتماعی، جهت جلوگیری و کاهش فساد اقتصادی و اجتماعی و افزایش سطح اعتماد اجتماعی در جوامع است.

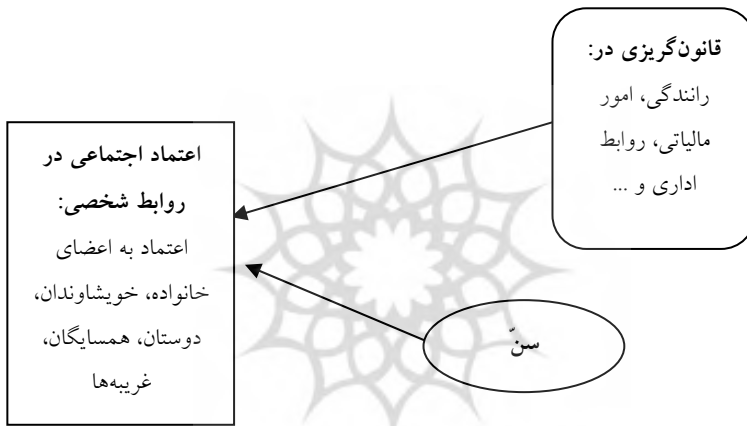
مرور مطالعات پیشین نشان داد که در سطح کشور، میزان اعتماد در روابط شخصی بیرون از خانواده، در حد کمتر از متوسط است و در سطح جهانی نیز نشانگر آن است که افزایش اعتماد اجتماعی، یک عامل مؤثر در کاهش فساد اقتصادی و اجتماعی است. در

1. Kelly
2. Graeff

این راستا، تحقیق حاضر با بهره‌گیری از تجربیات مطالعات پیشین، سعی کرده است تا اعتماد در روابط بین‌شخصی را در یاسوج- به عنوان شهری نوپا و هم‌جوار با بافت سنتی- مورد بررسی قرار دهد.

الگوی مفهومی پژوهش

در این الگو، همان‌گونه که در چارچوب نظری توضیح داده شد- بر اساس دیدگاه‌های گیدنز (۱۳۸۴) و زتومکا (۱۳۸۶)- رابطه بین میزان قانون‌گریزی و اعتماد در روابط شخصی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. همچنین سن، به عنوان یکی از متغیرهای هم‌جوار و در تعامل با شرایط جامعه‌پذیری در ارتباط با متغیر اعتماد مورد بررسی قرار می‌گیرد.



منبع: [پیشینه و مبانی نظری پژوهش با تأکید بر دیدگاه‌های گیدنز (۱۳۸۴) و زتومکا (۱۳۸۶)]

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- بین میزان قانون‌گریزی و اعتماد اجتماعی در روابط بین‌شخصی، رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- ۲- بین سنّ پاسخگویان و میزان اعتماد اجتماعی آنان در روابط شخصی، رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش، از نوع پیمایشی بوده است. ابزار تحقیق، پرسشنامه بوده که به تناسب موضوع تحقیق از پرسشنامه‌ی محقق‌ساخته و دیگران‌ساخته استفاده شده که در آن سؤال‌های مشترکی با مصاحبه‌ی حضوری از پاسخگویان پرسیده شده است. جمعیت آماری پژوهش - برابر با سرشماری سال ۱۳۹۰ کل کشور - ۸۸۲۷۸ نفر است. حجم نمونه در این پژوهش - با استفاده از جدول لین^۱ (۱۹۷۶) - تعداد ۳۸۴ نفر محاسبه شده است. برای دستیابی به نمونه‌های تحقیق، از روش نمونه‌گیری تصادفی سامانمند از نوع طبقه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شده است. برای شناخت میزان انسجام درونی (پایایی) گویه‌های متغیر وابسته و متغیر مستقل، از آزمون آلفای کرونباخ و برای میزان اعتبار از روایی صوری استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده، از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. همچنین برای بررسی رابطه بین متغیر میزان قانون‌گریزی با اعتماد اجتماعی در روابط بین شخصی و متغیر سن پاسخگویان با اعتماد اجتماعی در روابط بین شخصی، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. رایج‌ترین و مناسب‌ترین روش برای سنجش پایایی طیف لیکرت، ضریب آلفای کرونباخ است. همان‌گونه که در جدول (۱) مشاهده می‌شود؛ میزان آلفای کرونباخ متغیر وابسته‌ی پژوهش برای حجم نمونه، نوسان چندانی نسبت به آلفای پیش‌آزمون نداشته است. با توجه به اینکه مقدار آلفای متغیر وابسته‌ی پژوهش در حد ۰/۷۰ بوده؛ می‌توان گفت که ابزار پژوهش از پایایی مطلوبی برخوردار و این نشانگر انسجام درونی مناسب بین گویه‌ها است.

جدول ۱: میزان آلفای کرونباخ برای متغیرهایی که به صورت طیف لیکرت سنجش شده‌اند

متغیرها	آلفای آزمون مقدماتی	آلفای حجم نمونه
اعتماد اجتماعی در روابط بین شخصی	۰/۸۰۲	۰/۶۹۸
قانون‌گریزی	۰/۷۶۵	۰/۷۹۴

در پژوهش حاضر، از روایی صوری استفاده شده است. روایی صوری یا ظاهری، داوری به وسیله‌ی گروهی از صاحب‌نظران در این مورد است که آیا شاخص (معرف)، سازه را اندازه‌گیری می‌کند؟ (منصوریان، ۱۳۸۱: ۲۰۸)؛ بنابراین، نمونه‌ای از پرسشنامه‌ی موردنظر

1.Lin

در اختیار تعدادی از اعضای هیئت‌علمی متخصص در زمینه تحقیقات اجتماعی در دانشگاه یاسوج قرار گرفت و از آنان خواسته شد با توجه به هدف پژوهش، نظر خود را در مورد وضوح عبارت‌های بکار گرفته‌شده و ظاهر پرسشنامه، اعلام کنند. در این مرحله، تعدادی از آنان، اصلاحاتی را پیشنهاد کردند که با لحاظ کردن نظرهای آنان، پرسشنامه‌ی موردنظر، کاملاً مناسب ارزیابی شد.

یافته‌های پژوهش

الف) یافته‌های توصیفی

بر اساس نتایج حاصل از پژوهش در جدول (۲) و با توجه به اینکه شیوه‌ی نمونه‌گیری در این پژوهش، تصادفی از نوع طبقه‌ای چندمرحله‌ای بوده است؛ بنابراین، بیش‌ترین فراوانی پاسخگویان، مربوط به پاسخگویان با دامنه‌ی سنی ۳۷-۱۸ سال بوده که ۲۴۶ نفر (۶۴/۱ درصد) از حجم نمونه‌ی آماری را تشکیل داده‌اند. کمترین فراوانی مربوط به پاسخگویان با دامنه‌ی سنی ۷۶-۵۸ سال بوده که ۲۵ نفر (۶/۵ درصد) از حجم نمونه‌ی آماری را تشکیل داده است. همچنین میانگین سنی در میان پاسخگویان، ۳۵/۹۵ سال بوده است که نشان‌دهنده‌ی جوان بودن بیشتر پاسخگویان است.

جدول ۲: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سن

میانگین سنی	آمار توصیفی			گروه سنی (بر حسب سال)
	درصد معتبر	درصد	فراوانی	
۳۵/۹۵	۶۴/۱	۶۴/۱	۲۴۶	۱۸-۳۷
	۲۹/۴	۲۹/۴	۱۱۳	۳۸-۵۷
	۶/۵	۶/۵	۲۵	۵۸-۷۶
	۱۰۰	۱۰۰	۳۸۴	کل

بر اساس نتایج حاصل در جدول (۳)، تعداد ۱۱۰ نفر (۲۸/۶ درصد) از پاسخگویان، در روابط بین شخصی اعتماد پایینی داشته‌اند. تعداد ۲۳۶ نفر (۶۱/۵ درصد) از پاسخگویان اعتماد متوسطی در روابط بین شخصی داشته‌اند. تعداد ۳۸ نفر (۹/۹ درصد) از پاسخگویان اعتماد زیادی در روابط بین شخصی داشته‌اند.

جدول ۳: توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس میزان اعتماد اجتماعی در روابط بین شخصی در سه سطح پایین، متوسط و بالا

میزان اعتماد اجتماعی در روابط بین شخصی	فراوانی	درصد
پایین	۱۱۰	۲۸/۶
متوسط	۲۳۶	۶۱/۵
بالا	۳۸	۹/۹
کل	۳۸۴	۱۰۰

جدول (۴)، نشان می‌دهد که میانگین نمره‌ی اعتماد اجتماعی پاسخگویان در روابط بین شخصی (۲۵/۳۵) است. همچنین نتایج نشان می‌دهد که میانگین نمره‌ی قانون‌گریزی پاسخگویان (۵/۲۳) است که پایین‌تر از حد متوسط است؛ بنابراین پاسخگویان ابراز داشته‌اند که اعتماد اجتماعی پایینی در روابط بین شخصی خود دارند و همچنین افراد قانون‌گریز نیستند.

جدول ۴: میانگین نمره‌ی پاسخگویان بر اساس مؤلفه‌های مورد سنجش

متغیر	میانگین واقعی	نمره میانگین به دست آمده از پاسخگویان		کمترین نمره		بیشترین نمره
		پاسخگویان واقعی	پاسخگویان واقعی	پاسخگویان واقعی	پاسخگویان واقعی	
اعتماد اجتماعی در روابط بین شخصی	۲۷	۲۵/۳۵	۹	۱۳	۴۵	۴۰
قانون‌گریزی	۲۷	۵/۲۳	۰	۰	۵۴	۳۰

(ب) یافته‌های استنباطی

نتایج به دست آمده در جدول (۵)، نشان می‌دهد که در سطح اطمینان ۰/۹۵ و با توجه به مقدار آزمون کولموگروف - اسمیرنف تک‌نمونه‌ای ($K-S = ۱/۳۱$) و سطح معناداری ($Sig = ۰/۰۶۶$)؛ توزیع صفت در بین نمونه، با توزیع آن در جامعه، نرمال بوده و تفاوت معناداری بین فراوانی‌های مشاهده شده و فراوانی‌های مورد انتظار، وجود ندارد.

جدول ۵: مقدار آزمون کولموگروف - اسمیرنف تک‌نمونه‌ای برای نرمال بودن توزیع اعتماد اجتماعی در روابط بین شخصی

متغیر وابسته	تعداد فراوانی	میانگین اعتماد اجتماعی در روابط بین شخصی	مقدار آزمون K-S	Sig
اعتماد اجتماعی در روابط بین شخصی	۳۸۴	۲۵/۳۵	۱/۳۱	۰/۰۶۶

فرضیه ۱: بین میزان قانون‌گریزی و اعتماد اجتماعی در روابط شخصی، رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

نتایج به دست آمده از پژوهش در جدول (۶)، نشان می‌دهد که با توجه به مقدار ضریب همبستگی پیرسون؛ بین میزان قانون‌گریزی و اعتماد اجتماعی در روابط بین شخصی که برابر با $0/026$ - است و همچنین با توجه به مقدار سطح معناداری ($Sig= 0/617$)؛ بین دو متغیر، رابطه‌ی معناداری وجود ندارد و با افزایش یا کاهش میزان قانون‌گریزی؛ افزایش یا کاهش در میزان اعتماد اجتماعی در روابط شخصی به وجود نمی‌آید.

جدول ۶: نتایج آزمون پیرسون بین میزان قانون‌گریزی و اعتماد اجتماعی در روابط بین شخصی

Sig	ضریب همبستگی پیرسون	تعداد پاسخگو	متغیرها	
			وابسته	مستقل
0/617	-0/026	384	اعتماد اجتماعی	قانون‌گریزی

فرضیه ۲: بین سن پاسخگویان و میزان اعتماد اجتماعی آنان در روابط شخصی، رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

نتایج به دست آمده از پژوهش در جدول (۷)، نشان می‌دهد که با توجه به مقدار ضریب همبستگی پیرسون؛ بین میزان سن و اعتماد اجتماعی در روابط بین شخصی که برابر با $0/115$ است و همچنین با توجه به مقدار سطح معناداری ($Sig= 0/025$)؛ بین دو متغیر، رابطه‌ی معناداری وجود دارد و با افزایش میزان سن؛ اعتماد اجتماعی پاسخگویان در روابط بین شخصی به نسبت کمی افزایش می‌یابد؛ بدین معنی که بین میزان سن و اعتماد اجتماعی در روابط شخصی - در سطح خطای کمتر از $0/05$ و سطح اطمینان 95% - رابطه وجود دارد و سن، به خوبی قادر است؛ میزان تغییرات و واریانس اعتماد اجتماعی پاسخگویان در روابط بین شخصی را توضیح دهد.

جدول ۷: نتایج آزمون پیرسون بین سن پاسخگویان و اعتماد اجتماعی آنان در روابط بین شخصی

Sig	ضریب همبستگی پیرسون	تعداد پاسخگو	متغیرها	
			وابسته	مستقل
0/025	0/115	384	سن	اعتماد اجتماعی

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از پژوهش، نشان داد که به‌طور کلی ۹/۹ درصد از پاسخگویان، میزان اعتماد اجتماعی در روابط بین شخصی را بالا؛ ۶۱/۵ درصد از پاسخگویان میزان اعتماد اجتماعی در روابط بین شخصی را متوسط و ۲۸/۶ درصد از پاسخگویان میزان اعتماد اجتماعی در روابط بین شخصی را پایین می‌دانند. بررسی نتایج به دست آمده از پردازش داده‌های گردآوری شده در خصوص متغیر وابسته‌ی مورد بررسی در این پژوهش؛ یعنی اعتماد اجتماعی در روابط بین شخصی، نشان داد که میانگین نمره‌ی به دست آمده از پاسخگویان، در خصوص میزان اعتماد اجتماعی در روابط بین شخصی برابر با ۲۵/۳۵ (از میانگین واقعی = ۲۷) بوده است که نمره‌ی به دست آمده، نشانگر آن است که میزان اعتماد پاسخگویان در روابط بین شخصی پایین‌تر از حد متوسط است و در مجموع پاسخگویان میزان اعتماد اجتماعی در روابط بین شخصی پایینی دارند. میانگین به دست آمده، نشانگر شیوع و گسترش نسبتاً بالای میزان بی‌اعتمادی در مردم است که می‌توان از آن به عنوان یک مسئله‌ی اجتماعی نام برد. نتایج حاصل از بررسی متغیر اعتماد اجتماعی در روابط بین شخصی در بین مردم؛ تأیید نظریات آنتونی گیدنز در خصوص کاهش میزان اعتماد اجتماعی در جوامع کنونی و نوین را به دنبال دارد. در نتیجه، نتایج حاصل از پژوهش، با نظریه‌های آنتونی گیدنز در خصوص کاهش اعتماد اجتماعی در جوامع نوین و کنونی همخوانی دارد. همچنین نتایج به دست آمده با نتایج تحقیقات پیشین، از جمله تحقیقات پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۷۹) و حیدرآبادی (۱۳۸۸) همخوانی دارد؛ ولی برعکس با نتایج تحقیقات کتابی (۱۳۸۸) و عزیزآقدم و همکاران (۱۳۹۰)، همخوانی ندارد.

با توجه به مقدار ضریب همبستگی پیرسون، بین میزان قانون‌گریزی و اعتماد اجتماعی در روابط بین شخصی که برابر با ۰/۰۲۶- است و همچنین با توجه به مقدار سطح معناداری (Sig = ۰/۶۱۷)؛ بین دو متغیر، رابطه‌ی معناداری وجود نداشته است؛ به این معنی که با افزایش و کاهش میزان قانون‌گریزی در جامعه مورد مطالعه، افزایش یا کاهش در میزان اعتماد اجتماعی در روابط بین شخصی صورت نمی‌گیرد. نتایج به دست آمده در خصوص رابطه‌ی بین دو متغیر، با نظریه‌ی زتومکا همخوانی نداشته است. منشأ مهم اعتماد در نظریات زتومکا، علاوه بر اطلاعات، قواعد و هنجارهای جمعی است

که از طریق جامعه‌پذیری در درون افراد نهادینه شده و افراد بر اساس آن عمل می‌کنند. به نظر زتومکا، رعایت تعهدات پایه‌ای تأییدشده در جامعه، تسهیل‌کننده‌ی اعتماد است. طبق نظر وی، رعایت تعهدات پایه‌ای تأییدشده در جامعه که باعث کاهش فریب، حيله، انزوا، عهدشکنی، بهره‌کشی، بی‌نظمی، تقلب و ... می‌شود؛ با افزایش میزان اعتماد اجتماعی در روابط شخصی همراه است. همچنین، نتایج حاصل از پژوهش با نتایج تحقیقات پیشین از جمله کتابی (۱۳۸۸)، کلی (۲۰۰۹) و گراف (۲۰۱۳)، همخوانی نداشته است.

با توجه به مقدار ضریب همبستگی پیرسون، بین میزان سن و اعتماد اجتماعی در روابط بین شخصی که برابر با ۰/۱۱۵ است و همچنین با توجه به مقدار سطح معناداری (Sig = ۰/۰۲۵)؛ بین دو متغیر، رابطه‌ی معناداری وجود داشته است. ضریب همبستگی پیرسون برابر با ۰/۱۱۵ است که نشان می‌دهد؛ رابطه بین سن و اعتماد اجتماعی در روابط شخصی، یک رابطه مستقیم و ضعیفی است؛ بدین معنی که با افزایش میزان سن، اعتماد اجتماعی پاسخگویان در روابط بین شخصی به نسبت کمی افزایش خواهد یافت. نتایج حاصل از پژوهش، در خصوص وجود رابطه بین متغیر سن و اعتماد اجتماعی در روابط بین شخصی، با نتایج تحقیقات پیشین از جمله تحقیق فیروزآبادی (۱۳۸۴) و قریشی و صداقت (۱۳۸۸)، همخوانی داشته است. با افزایش سن، تغییراتی در نوع تفکر و بینش اشخاص شکل می‌گیرد که می‌تواند نقش مهمی در میزان اعتماد اجتماعی آنان در روابط شخصی ایفا کند. از جمله تحولاتی که با افزایش سن در بین انسان‌ها شکل می‌گیرد؛ این است که معاشرت و تعامل اجتماعی آنان ارتقا می‌یابد؛ به باورهای دینی بیشتر اعتقاد پیدا می‌کنند؛ گرایش‌های دیگرخواهانه‌ی آنان در کمک و همدلی با دیگران بیشتر می‌شود؛ کمتر قانون‌گریز می‌شوند و بسیاری از عوامل دیگر سبب می‌شود که شیوه‌ی نگاه آنان به افراد و جامعه‌ی پیرامونشان، متفاوت از افراد با سنین پایین‌تر باشد و احتمالاً با شرایط اجتماعی و افراد جامعه با واقع‌بینی بیشتری برخورد می‌کنند و در نتیجه می‌توانند در ارتباطات اجتماعی خودشان، بیشتر به دیگران اعتماد کنند.

پیشنهادها

با توجه به اینکه بر اساس یافته‌های پژوهش، میزان اعتماد اجتماعی پاسخگویان در روابط بین شخصی در سنین کم، در حد پایین بوده است و در مجموع، با افزایش میزان سن، اعتماد اجتماعی پاسخگویان در روابط بین شخصی به نسبت کمی افزایش می‌یابد؛ بنابراین، لازم است جهت ارتقای سطح اعتماد اجتماعی افرادی که در سنین پایین قرار دارند؛ راهکارهایی در جامعه مورد توجه قرار گیرد. یکی از این راهکارها، توجه به ارتقای میزان اعتماد اجتماعی در کودکان از طریق خانواده، نهادهای آموزشی، تربیتی و فرهنگی است. در این مرحله، نوع رابطه با کودک می‌تواند اعتماد یا بی‌اعتمادی او را در چگونگی مواجهه با افراد و محیط شکل دهد. رعایت اصول اخلاقی از سوی والدین و متعاقباً تشویق کودکان به رعایت اصول صداقت، صراحت، وفای به عهد، راست‌گویی، رعایت قوانین و مقررات و ... از همان دوران کودکی، می‌تواند بر میزان اعتماد اجتماعی آنان به دیگران تأثیرگذار باشد. در کنار خانواده، مراکز آموزشی مرتبط با پرورش کودکان - به ویژه مدارس - می‌توانند با تشویق رعایت مؤلفه‌های مهم هنجاری در کودکان، تا حدود زیادی میل بی‌اعتمادی به اطرافیان را در آنان کاهش دهند.

منابع

- اجاقلو، سجاد و محمدجواد زاهدی (۱۳۸۴). بررسی میزان اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین ساکنان شهر زنجان. *مجله‌ی انجمن جامعه‌شناسی ایران*. دوره‌ی ششم. صفحات ۹۲-۱۲۵.
- امیرکافی، مهدی (۱۳۸۰). اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن. *فصلنامه‌ی نمایه‌ی پژوهشی*. سال پنجم شماره ۱۸. صفحات ۴۲-۱۰.
- بالاخانی، قادر و فاطمه جواهری (۱۳۸۵). رسانه‌ی جمعی و اعتماد؛ بررسی تأثیر رسانه‌های جمعی بر اعتماد اجتماعی (مطالعه‌ی موردی شهروندان تهرانی). *مجله‌ی علوم اجتماعی*، سال سوم. شماره یک. صفحات ۲۹-۱.
- بختیاری، مهدی (۱۳۸۹). *بررسی اعتماد اجتماعی و برخی عوامل مؤثر بر آن*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی. دانشگاه اصفهان.

- چلبی، مسعود (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم؛ تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی. تهران: نشر نی.
- دفتر آموزش و پژوهش استانداری کهگیلویه و بویراحمد (۱۳۸۵). طرح سنجش سرمایه‌ی اجتماعی در استان کهگیلویه و بویراحمد. مجری طرح: محمود شارع‌پور.
- دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۰). پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان. موج اول.
- دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۲). پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان. موج دوم.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۷). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه‌ی محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- زتومکا، پیوتر (۱۳۸۶). نظریه‌ی جامعه‌شناختی اعتماد. ترجمه‌ی غلامرضا غفاری. چاپ دوم. تهران: انتشارات شیرازه.
- شارع‌پور، محمود (۱۳۸۰). فرسایش سرمایه‌ی اجتماعی و پیامدهای آن. مجله‌ی انجمن جامعه‌شناسی ایران. سال اول. شماره یک. صفحات ۱۱۲-۱۰۱.
- علی‌بابایی، یحیی و علی‌اصغر فیروزجائیان (۱۳۸۸). تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی. فصلنامه‌ی دانشگاه انتظامی. سال یازدهم. شماره‌ی چهارم. صفحات ۵۸-۷.
- علی‌پور، پروین (۱۳۸۸). اعتماد و مشارکت؛ بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت در شهر تهران. مجله‌ی انجمن جامعه‌شناسی ایران. دوره‌ی دهم. شماره ۲. صفحات ۱۳۵-۱۰۹.
- عمید (۱۳۶۹). فرهنگ لغت فارسی عمید. چاپ سوم. تهران: امیرکبیر
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه‌ی اجتماعی. ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). پیامدهای مدرنیست. ترجمه‌ی محسن ثلاثی. چاپ اول. تهران: مرکز.

- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳). *تجدّد و تشخّص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*. ترجمه‌ی ناصر موقّیان. تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴). *چشم‌اندازهای جهانی*. ترجمه‌ی حمیدرضا جلایی‌پور. تهران: انتشارات طرح نو.
- معیدفر، سعید و دربندی، علیرضا (۱۳۸۵). بررسی رفتار و نگرش جمع‌گرایانه‌ی شهروندان تهرانی. *مجله‌ی انجمن جامعه‌شناسی ایران*. دوره هفتم. شماره ۳. صفحات ۵۸-۳۴.
- منصوریان، محمدکریم (۱۳۸۱). *روش‌های پژوهشی کیفی و کمی در علوم اجتماعی*. چاپ اول. تهران: انتشارات نوید شیراز.

- Adler, P. S. & Seok-Woo, k. (2002). *Social Capital: Prospects for a New Concept*. Academy of Management Review; Vol, 27. No, 1. PP: 17-40.
- Lin, N. (1976). *Foundation of Social Research*. New York: Mc Graw-Hill.
- Newton. K. (2002). *Social Trust and Political Disaffection Social Capital and Democracy*. EURSCO Conference on Social Capital: Exeter. PP: 5-35.
- Putnam. R. (1993). *Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy*, Princeton University Press, Princeton
- Reeskens, T & Marc, H. (2007). *Cross-Cultural Measurement Equivalence of Generalized Trust*. Soc Zndic Res, 2008. PP: 515-532.
- Sztompka. P. (2000). *Trust: A Sociological Theory*. New York: Cambridge University Press.